

زندگی و آثار استاد حاج محمدتقی معمار شوشتری

مقدمه

بسیاری از آثار و بناهای تاریخی را با نام معماران آن بناها می‌شناسند، اما چه بسیار بناهای ارزشمند نیز هستند که نامی از سازندگان و معماران آنها وجود ندارد. شهر شوشتر، که دارای آثار تاریخی فراوانی است، از دیرباز معماران و استادانی را پرورش داده که آثار به‌جامانده از آنها گواه شخصیت فنی، هنری و معنوی آنهاست. برخی از این استادکاران شناخته‌شده‌اند، همچون استاد معیم بنا که نامش در کتیبه مسجد عبدالله بانو به تاریخ ساخت ۱۱۱۲ق می‌درخشد. از این میان، استادانی نیز هستند که از ایشان کارهای زیادی به یادگار مانده است اما امروزه کمتر شناخته شده‌اند. در این مقاله، به شرح شخصیت و کارهای یکی از این معماران، مرحوم حاج محمدتقی معمارباشی، خواهیم پرداخت.

بحث و بررسی

حاج محمدتقی معمارباشی: استادی از خاندان معماران شوشتر

مرحوم استاد حاج محمدتقی معمار (معمارباشی) در سال ۱۳۱۴ق/۱۲۷۲ش در خانواده‌ای معمارزاده در شهر شوشتر دیده به جهان گشود. خانواده او نسل در نسل در پیشه معماری فعال بوده‌اند: استاد حاج محمدتقی، فرزند استاد حاج حسین، فرزند استاد حاج ابوالقاسم، فرزند استاد محمدجعفر (معروف به استاد مخمل).



ت ۱. از چپ: حاج کاظم معمار (نشسته)، حاج حسین معمار (پدر حاج محمدتقی)، استاد حاج محمدتقی معمارباشی. در این تصویر، او در کنار پدر و نیز عموزاده‌اش، مرحوم استاد حاج کاظم معمار، در یکی از خانه‌های قدیم شوشتر (ظاهراً خانه مستوفی‌زاده) در حال اجرای آجرکاری و خوون‌چینی است. مأخذ: ادیب معمارباشی.

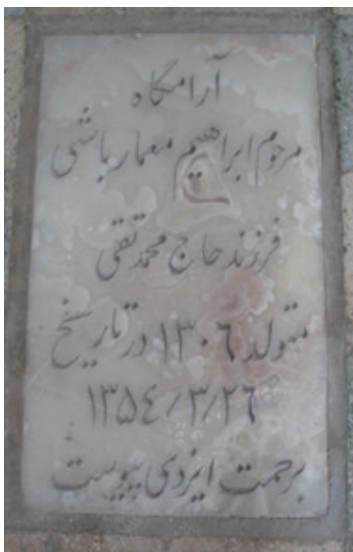
چکیده

با گذر از کوچه پس کوچه‌های بافت تاریخی شهر شوشتر، با بناهایی رویه‌رو می‌شویم که بر پیشانی آنها نقوش و تزیینات متنوع نقش بسته است و از ذوق و هنر نقش‌آفرینان آن حکایت می‌کند. پدیدآورندگان این آثار معماری هستند که هنر خود را بر سنگ و آجر به ظهور رسانده‌اند. بسیاری از این استادان برای نسل امروز ناشناخته مانده‌اند و بیم آن می‌رود که گذر زمان مختصر اطلاعات موجود درباره احوال و آثار آنها را به دست فراموشی و نابودی بسپارد.

استاد حاج محمدتقی معمارباشی از جمله استادانی است که بسیار از خانه‌ها، مساجد و برخی سازه‌های آبی و دیگر بناهای تاریخی شهر شوشتر را ساخته است. این مقاله می‌کوشد ابتدا به معرفی ایشان بپردازد و سپس کارها و طرح‌های ایشان را مورد بررسی قرار دهد. کلیدواژه‌ها: شوشتر، معماری شوشتر، حاج محمدتقی معمارباشی



ت ۲. استاد حاج محمدتقی معمار با لباس سنتی مردم شوشتر. مأخذ: امیرحسین معمارباشی.
ت ۳. استاد حاج محمدتقی معمار، سال ۱۳۳۴ ق. مأخذ: ادیب معمارباشی.



ت ۴. حاج محمدتقی معمار در کنار دو تن از فرزندان؛ نیز تصویر سنگ مزار ابراهیم و اسماعیل فرزندان ایشان در گورستان مقام حسین. مأخذ: امیرحسین معمارباشی.

عموزاده‌های خود فرا گرفت. او در سی سالگی در همه فنون کار معماری به استادی کامل رسید، چنان‌که بسیاری از استادان و معماران معاصر بر توانایی و دانش او در این سن صحه نهاده‌اند. به دلیل ذوق در اجرای کار، مردم‌داری، چالاکی و سرعت عمل طولی نکشید که او به‌عنوان معمار اول شهر شناخته شد و نزد مردم جایگاهی ویژه پیدا کرد، به طوری که بیشترین کارها چه کارهایی که مربوط به حکومت بود و چه کارهای مذهبی و خانه‌های مردم شهر به ایشان واگذار می‌گردید.

فرزند استاد حاج محمدعلی معمار. از دوره کودکی و نوجوانی او اطلاع چندانی در دسترس نیست. همین قدر می‌دانیم که، با استعداد ذاتی و همچنین زمینه مناسب در خانواده، مراحل رشد و یادگیری فنون کار را از نوجوانی نزد پدرش مرحوم استاد حاج حسین معمار، آغاز کرد. حاج محمدتقی سواد خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانه‌های قدیم شوشتر (که به آنها دیسون می‌گفتند) آموخت و با وجود استعدادهای ذاتی مدارج رشد و تکامل کار خود را نزد پدر و دیگر

ت ۵. پهلوان صدف
صمندی برادر زن حاج
محمدتقی معمار. مأخذ:
حاج حسین اعتبار.



در کنار این استادان، کارگرانی باتجربه هم بودند که با نوع خورن‌ها آشنا بودند و کارشان بینابین آجرتراش و بنا بود. این افراد را آلت‌ده می‌گفتند، یعنی کسی که، با نظارت همزمان طرح و کار استاد بنا، آجرهای تراشیده را برای بنا آماده می‌ساخت. مرحوم محمدعلی یاریزی و فرزندش علی محمد از افراد مجرب این فن در معماری شوشتر بودند.

اخلاق حرفه‌ای و علایق جانبی حاج محمدتقی معمار

استاد محمدتقی معمار در طول روز بر سرکارها برای نظارت مراجعه می‌کرد و دستور کار را به گروه کاری خود می‌داد. در بسیاری از موارد در خانه‌های علما و روحانیون یا برخی تجار خود استاد حاج محمدتقی با افتخار خود شخصاً روی چوب‌بست رفته و کار می‌کرد. در جدیت و تعهد حرفه‌ای حاج محمدتقی معمار نقل‌های فراوان هست. برای مثال، نقل است که پیش از آغاز کاژ مصالح را بررسی می‌کرد و اگر جنس مصالح مناسب نبود از آنها استفاده نمی‌کرد. مثلاً، وقتی از کوره‌ای بار گچ تازه می‌آوردند، ابتدا با آن گچ ملاتی می‌ساخت و با آن چند آجر را به دیوار

استاد حاج محمدتقی معمارباشی دارای چهار پسر بود: حسن، ابراهیم، حاجی و اسماعیل. هر دو فرزند کوچک ایشان، حاجی و اسماعیل، در جوانی درگذشتند. اسماعیل در کنار معماری به نقاشی و مجسمه‌سازی علاقه‌ای فراوان داشت. از ایشان پرده‌ای نقاشی از واقعه‌ی عاشورا موجود است که حضرت علی‌اصغر^ع را در آغوش حضرت سیدالشهدا^ع نشان می‌دهد. این اثر در بقعه‌ی سیدمحمد بازار نگهداری می‌شود. مرحوم ابراهیم، پسر دوم، کار پدر را ادامه داد و از او نیز آثاری در شوشتر موجود است. ابراهیم در سال ۱۳۵۴ زندگی را بدرود گفت. حسن فرزند بزرگ استاد نیز مدتی به کار پدر مشغول بود و بعد از آن به کار دولتی روی آورد و در شهرداری اهواز به‌عنوان کارشناس معمار شاغل شد. حسن معمارباشی نیز در سال ۱۳۷۴ در شهر اهواز دیده از جهان فرو بست (ت ۴).

«دیکار» استاد حاج محمدتقی

دیکار محل اجتماع کارگران، استادان آجرتراش و استادان بنا در ابتدای روز است در مجاورت خانه‌ی معمار قرار دارد. دیکارها معمولاً به‌صورت سکو یا صفه‌ای در کنار خانه‌ی معمار ساخته می‌شدند و مردم با مراجعه به آنجا نیاز خود را در مرحله‌ی اول از معمار و بعد از آن با هماهنگی او استادان بنا و کارگران را جهت کار فرا می‌خواندند.^۲

دیکار حاج محمدتقی معمارباشی از معروف‌ترین دیکارها در زمان خود در شوشتر بود و زبده‌ترین بنایان و آجرتراشان در آن مستقر بودند. از معروف‌ترین بنایان ایشان می‌توان این افراد را نام برد: استاد حاج رحمی شاه‌علی، استاد مشهدی بخشی شاه‌علی، استاد مشهدی عبدالله کلاه‌دراز، استاد مشهدی علی توپچی، استاد مشهدی کلات، استاد ابراهیم معمارباشی پسر معمار. نیز از معروف‌ترین استادان آجرتراش که با مرحوم معمارباشی کار کرده‌اند عبارت‌اند از: استاد هادی حجاززاده معروف به آجرتراش،^۳ ملاحسن حجار، ملاعبدالله حجار، استاد پیکلی آجرتراش،^۴ استاد رضا آجرتراش، استاد اسماعیل آجرتراش، استاد علی‌شُل.

بسم الله الرحمن الرحيم
 قصیده در مدح و محبت مولانا شیخ ابوالحسن ابراهیم
 ایدل جلیس کوشنده موسم بهار روکن میکده بدو ضرب و چنگ تار
 با صومعه سجده ز برادر کاد ز شوق از بهشت رستم بود ز ناز
 بوخیز تا بخدمت جانان قدم زینم
 از صوت بلبلان چمن الامان سوسن شده سناکت و سنبل شاهزادگان
 نسرين ز شوق دست بر آید لیکان ابر حسن رود بهوایی چه ناگهان
 خزش باشد انگه هستی خود را عدم زینم
 مطرب بزن تو دوش من بر سر کلاه زان بعد کن توجهی یکدم دعوت راک
 گویم طاق را و در غلام ز هیچ راک زاهد کرد سجده و سجا ز هر دو تانک
 ما هم در دم با هم کلیسا علم زینم
 در با مداد میکده زینم بر او رایت بپوشم و بر پیش کشیدم دود آس
 زدی گیت بیت تمام حلیبش برید هیبتش ز جام شکل داس
 گفتم یا هر هست بناید که خنم خنم
 ساق یا باراده ننداید جانانا بوی که بالیده بر پیمان باصفا
 از لب کشیدم از این در و در جفا می ده علانیه بخورم دیگر در خفا
 تا همی که گزست شیخو غنم زینم

فرزند عشق باش دیگر مست نالیک عهد ستارست دیگر کوه گستر طی
 از هر آن که گزیم ناله همی که فی نرجام با نعلات بر زمینم مری
 اضلاع و ستوبیا تا نام زینم
 مشوق یکدی تو عاشق ناسوال از هر تو شد الف تا نامت چه درال
 روزم بر سر سگد و دهنت باه رسال نامدیدی بی که رسد موم رصال
 با عشق همی شده شد که خود ما الو زینم
 دندان باوه کوزه یکجا نشیند مودت و اخیر در صحبت بستند
 سباجی چنان برود خسته اند از گردش زمانه غدا رخصت راند
 در بارگاه شاجده رسیدم منم زینم
 دلدار چون خنک گزینا گزینم مودم عذاب حال که میبار گزینم
 در جا که مینم و نگه گزینم چون کلب است از دره با و گزینم
 ما افتخار گردش ما غنم زینم
 اطلاع گزیند و تو شاهان گزینم امر تو ستودن این صورت گزینم
 از چار بیک که گزیند است این صبح و صبا با راکت بر بدجین
 ترس از عوام باشد از این پیشم زینم

عزیز اله جلوه گرا در وی بود جنبه کوی خوش و عذار بوی نوبود
 چشم تا علیان سوی نوبود مقصود و از رویه از کوی نوبود
 خط شاهدی که ما نر بوی دم زینم
 خورشید روشن است عود از لاله بدر مینر جلوه گرا عذار هلال تو
 مسرور گشته خلق جهان از هلال تو محسوس کرده کوه و کوه کار هم کال تو
 فرموده که بر بختجان رقم زینم
 بر عویشا امینتی برینم علی ختم رسل و زیوتونی برینم علی
 بوا ایبا، دیر تونی برینم علی بوا ایبا کبر تونی برینم علی
 ماوا بختون کبابی لطفت زینم
 شادم که بار از من ماهرود لگرت مشوقه و ده عام و سگ لگرت
 فاقه برکت و داغ بر خیزارت معاز نامت و نوبود هنر سترت
 ناکی و قلب ناله ایاسم زینم
 سووم از آندی کند با و صبه بر سر زانه زنده بود خنم خنم
 گفتا کلمات باب و چه در ماه صبه بینند روی خاک رخ از صبه
 ز این غم رواست جانم زینم

ت ۶. اشعار مرحوم حاج محمدتقی معمار به خط خود ایشان در وصف امام علی ع. مأخذ: امیرحسین معمارباشی.

می‌گویید؛ پس از خشک شدن، خود به آن آجرها می‌ویزان می‌شد؛ اگر آجرها از کار رد نمی‌شدند، بار گچ را تحویل می‌گرفت و استفاده می‌کرد؛ اگر نه، آن را بازپس می‌فرستاد.

در خصوص رعایت حقوق صاحب کار جدید فراوانی به خرج می‌داد و اجازه نمی‌داد مصالحی بیهوده از بین برود. استاد از ابتدای روز کارش را آغاز می‌کرد و تنها اندکی در ظهر برای استراحت نهار و نمازی از کار وقت نمی‌گرفت و تا غروب آفتاب یعنی آن زمان که دیگر آفتاب کاملاً غروب کرده بود دست از کار نمی‌کشید.

حاج محمدتقی معمار و ورزش

استاد حاج محمدتقی معمار به ورزش باستانی نیز علاقه بسیار داشت. او بعد از کار روزانه در زورخانه بازار که در مجاورت سرای افضل قرار داشت با دیگر پهلوانان شهر نظیر صدیف سمندی (که برادرزن ایشان بود) و مرحوم حاج اسدالله کوثری (که میانداز گود زورخانه بود) به ورزش می‌پرداخت (ت ۵).

حاج محمدتقی معمار و شعر

استاد حاج محمدتقی معمارباشی در شعر نیز ذوق

فراوان داشت و در شعر «معمار» تخلص می‌کرد. از ایشان سروده‌های زیادی در وصف مولا علی ابن ابی طالب و حضرت سیدالشهدا و نیز غزلیاتی در وصف بهار هست و دست‌نوشته‌های ایشان همچنان نزد خانواده و فرزندان موجود است (ت ۶).

ترکیب‌بند مخمس زیر نمونه‌ای است از اشعار او:

ای دل به عیش کوش شده موسم بهار
 رو کن به میکده به دف و ضرب و چنگ و تار
 با صومعه و مسجد و منبر مرا چه کار
 نه شوقم از بهشت و نه ترسم بود ز نار
 بر خیز تا به خدمت جانان قدم زینم

از صوت بلبلان چمن الامان
 سوسن شده شکفته و سنبل شده خزان
 نسرين ز شوق بسته حمایل یکی کمان
 این حسن می‌رود به هوایی چه ناگهان
 خوش باشد آنکه هستی خود را عدم زینم

مطرب بزن تو دشتی شهری به سوزناک
 ز آن بعد کن توجه یکدم به صوت راک
 گویم عراق و راک و ندارم ز هیچ پاک

زاهد که کرد سبحة و سجاده هر دو تاک
ما هم روییم بام کلیسا علم زنییم

در بامداد میکده رفتیم به راه راست
بنشستم و به پیش کشیدم دو دست آس
رندی بگفت نیست حمام مجلسی است خاص
ببرید هیبتش تن و جانم به شکل داس
گفت یار هممه است نباید که غم خوریم

ساقی بیار باده ندارد جهان وفا
پر کن پیاله ده به حریفان باصفا
از بس کشیده ایم از این دهر دون جفا
می ده علانیه بخوریم به که در خفا
تا همچه گرگ مست شبیخوان غم زنییم

فرزند هوش باش دگر مست تا به کی
عهد شباب رفت و دگر عمر گشته طی
از هجر آن نگار گشتم ناله همچه نی
نه جام مانده است نه جمشید و جم نه کی
اوضاع دنیوی تو بیا تا قلم زنییم

معشوق بکدمی تو ز عاشق نما سؤال
از هجر تو شده الف قامت چه دال
روزم به سر رسد گذرد هفته، ماه و سال
نامد دمی به من که رسد موسم وصال
باعث همین شده ست که خود را الم زنییم

رندان باده کش همه یکجا نشسته اند
بر روی اجنبی در صحبت بیسته اند
سیاحی جهان بنمودند خسته اند
از گردش زمانه غدار جسته اند
در بارگاهشان چه رسیدیم منم زنییم

دلدار چون تویی که گرفتار گشته ام
بودم بخواب حال که بیدار گشته ام
در چاکری مقیم و نگهدار گشته ام
چون کلب آستانه دربار گشته ام

با افتخار گردش باغ ارم زنییم

افلاک گردش اند ز تو شاها سکون زمین
امر تو منتظر بود این صور در کمین
از چهار یک ملائکه گردیده است امین
صبح و مسا به بارگهت می نهد جبین
ترس از عوام باشد از این بیش دم زنییم

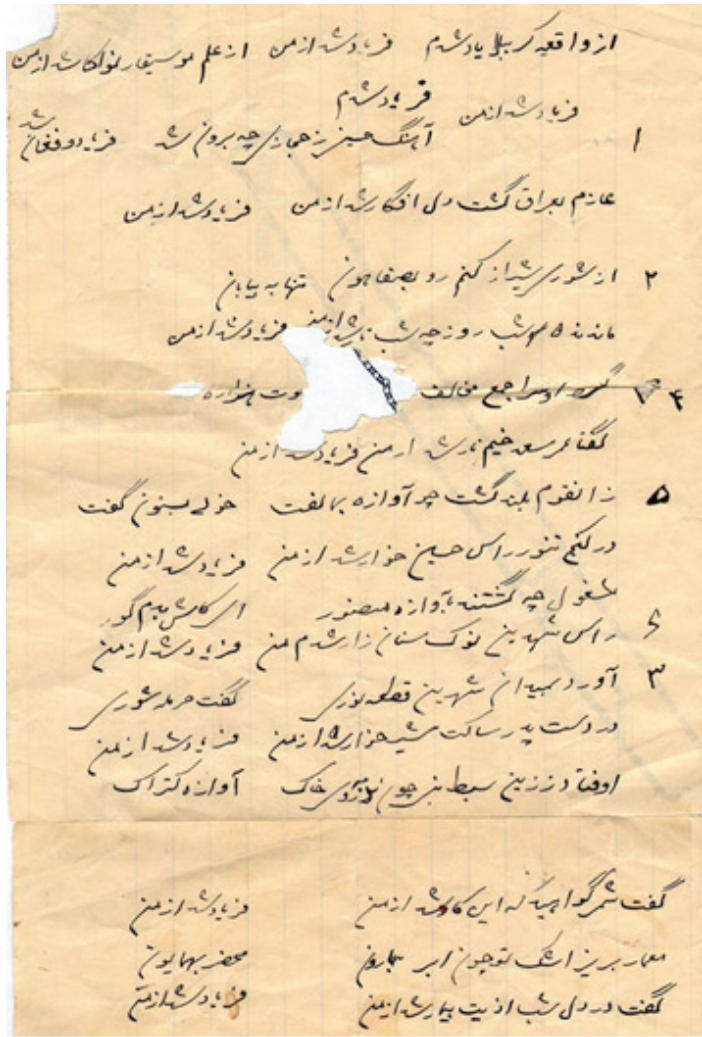
عرش اله جلوه گر از روی تو بود
جنت که بوی خوش دهد از بوی تو بود
چشم تمام عالمیان سوی تو بود
مقصودوار روی من از کوی تو بود
خود شاهدی که ما نه برای درم زنییم

خورشید روشن است بود از جمال تو
بدر منبر جلوه گر دهد از هلال تو
مسرور گشته خلق جهان از جلال تو
محصور کرده کون و مکان هم کمال تو
فرموده که ز بهر محبتان رقم زنییم

بر مؤمنان امیر تویی مرتضی علی
ختم رسل وزیر تویی مرتضی علی
بر انبیا دبیر تویی مرتضی علی
بر اولیا کبیر تویی مرتضی علی
مارا بخوان به سایه لطفت خیم زنییم

شادم که یار ارض و سما هر دو لنگر است
معشوقه دو عالم و مولای قنبر است
قاتل به عمر و کشته و فاتح به خیبر است
معمار نامه تو ز مهرش منور است
تاکی ز قلب ناله الیا صنم زنییم

سوزم از آن دمی که نبذ یاور حسین
بر سر زنان ز خیمه برون خواهر حسین
گفتا کجاست باب و چه شد مادر حسین
بیند روی خاک رخ انور حسین
زین غم رواست جامه تن در بقم زنییم



ت ۷. دست‌نوشته‌های
مرحوم حاج محمدتقی
معمار در سوگ حضرت
سیدالشهدا. مأخذ:
امیرحسین معماریاشی.

حاج محمدتقی معمار و موسیقی

استاد حاج محمدتقی در کنار شعر علاقه‌ای فراوان به موسیقی داشت. با موسیقی دستگاهی ایرانی و به‌ویژه موسیقی شوشتر آشنایی کامل داشت. ایشان در اشعارش نیز به برخی گوشه‌ها و مقام‌های موسیقی اشاره دارد که مؤید این موضوع است. برای مثال، در سوگنامه‌ای عاشورایی چنین سروده است (ت ۷):

از واقعه کربلا یاد شدم

فریاد شد از من

از علم موسیقی ز نوا کار شد از من

فریاد شد از من

آهنگ حسینی ز حجازی چه برون شد

فریاد و فغان شد

عازم به عراق گشت دل افکار شد از من
فریاد شد از من
از شوری شیراز کنم رو به صفاهان
تنها به بیابان
ماندند شب و روز چه شب تار شد از من
فریاد شد از من
گرد اسرا جمع مخالف...
با صوت هزاره^۵
گفتا عمر سعد خیم نار شد از من
فریاد شد از من
زان قوم بلند گشت چو آوازه بی الفت
خولی به سنون گفت
در کنج تنور رأس حسین خوار شد از من
فریاد شد از من
مشغول چه گشتند به آوازه منصور
ای کاش بدم گور
رأس شهیدین نوک سنان زار شدم من
فریاد شد از من
آورد به میدان شهیدین قطعه نوری
گفت حرمله شوری
در دست پدر ساکت شیرخوار شد از من
فریاد شد از من
افتاد ز زین سبط نبی چون به روی خاک
آوازه کتراک^۶
گفت شمر گواهد که این کار شد از من
فریاد شد از من
معمار بریز اشک تو چون ابر بهارون
محضر به همایون
گفت در دل شب اذیت بیمار شد از من
فریاد شد از من.

ایشان معمولاً در حین کار یا خود زمزمه می‌کرد و آوازی می‌خواند یا شخصی خوش‌صدا را دعوت می‌کرد تا با دریافت حق‌الزحمه برای او و کارگران آواز بخواند. به‌گفته‌ی استاد حاج حسین اعتبار (صدیف)، از شاگردان و کارگران ایشان، استاد حاج محمدتقی از شخصی به‌نام اسدالله فرزند محمدهادی، که قصاب

بود و صدای خوبی داشت، دعوت می‌کرد تا برای او و کارگران آواز بخواند و به او حق الزحمه می‌پرداخت.^۷

عمارت‌های استاد حاج محمدتقی معمار

از استاد حاج محمدتقی معمار یاشی آثار فراوانی در شهر شوشتر و دیگر شهرهای خوزستان باقی مانده است. در اینجا، به‌طور خلاصه، به معرفی شماری از این آثار می‌پردازیم:

اماکن مذهبی

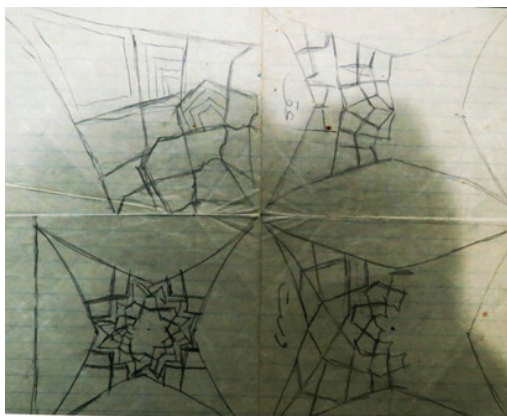
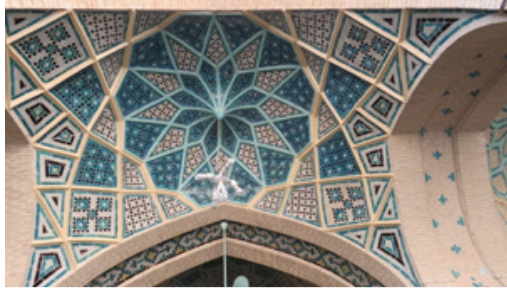
مسجد حاج شیخ‌جعفر شوشتر، واقع در محله میدان شیخ، از مساجد پرتزیین خوزستان است و تزیینات آن شامل آجرکاری، رسمی‌بندی و کاشی‌کاری است. این تزیینات در اواخر دوره قاجاریه توسط استاد حاج محمدتقی اجرا گردیده و پیش‌طرح‌های آن نیز موجود است. همچنین، نام معمار بنا با کاشی به‌صورت معقلی روی پیشانی یکی از گوشواره‌های مسجد به‌کار رفته است (ت ۸).

مورد دیگر تعمیر و مرمت مسجد جامع شوشتر در اواخر دوره قاجار و ابتدای دوره پهلوی است که، به‌سبب رانش‌های پیش‌آمده در ستون‌های مسجد، پشت‌بندهای سنگی و آجری در داخل و پیرامون شبستان ساخته شده است. در این کار، مشهدی بخشی شاه‌علی نیز همکاری کرده است (ت ۹).

کاشی‌کاری و تعمیر گنبد بقعه‌های برابن مالک، مقام صاحب‌الزمان و سیدمحمد بازار نیز از دیگر کارهای ایشان به‌شمار می‌آید. در بقعه سیدمحمد بازار، علاوه بر گنبد، یکی از گلدسته‌ها نیز توسط ایشان و دیگر گلدسته توسط مرحوم حاج عبدالرضا معمار، عموزاده استاد، ساخته شده است. در کاشی‌کاری گنبد مقام صاحب‌الزمان، که به‌صورت دوازده‌ترکه‌ای ساخته شده، فرزندش ابراهیم معمار نیز با او همراه بوده است. این سه بقعه در دوره‌های دیگر نیز در چند نوبت به‌دست دیگر معماران مرمت و بازسازی شده‌اند (ت ۱۰).

قلعه سلاسل

قلعه سلاسل از قلاع قدیمی ایران و مربوط به دوره



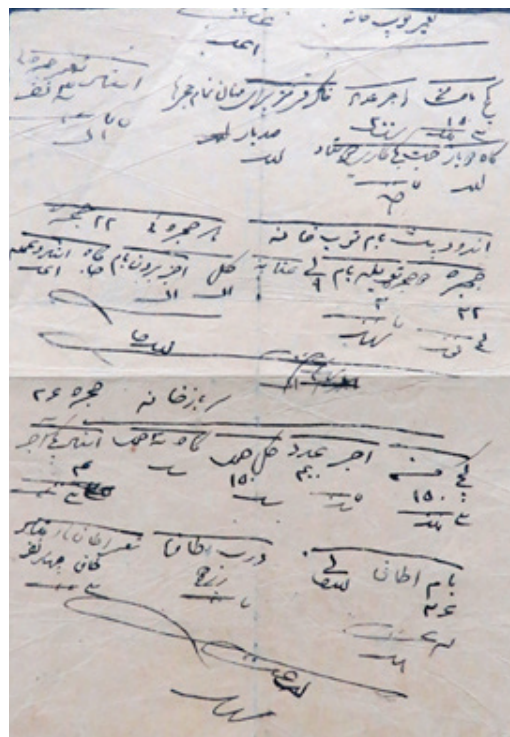
ت ۸. تزیینات به‌کاررفته در سقف مسجد حاج شیخ جعفر شوشتری و طراحی کاغذی حاج محمدتقی معمار. مأخذ: امیرحسین معمار یاشی.



ت ۹. پشت‌بندهای
به‌کاررفته جهت
جلوگیری از رانش
ستون‌های داخلی
مسجد جامع شوشتر.
مأخذ: نگارنده.



ت ۱۰. بقعهٔ برابن مالک. مأخذ: آثار و بناهای تاریخی خوزستان. ص



ت ۱۲. پل حاج‌خدایی
واقع بر نهر تاریخی
داریون شوشتر. مأخذ:
آرشیو ادارهٔ میراث
فرهنگی، صنایع دستی و
گردشگری شوشتر.

ت ۱۳. نمایی از
خروجی تونل آبرسان
سه‌گوره در محوطهٔ
آسیاب‌ها و آبشارهای
شوشتر. مأخذ: نگارنده.

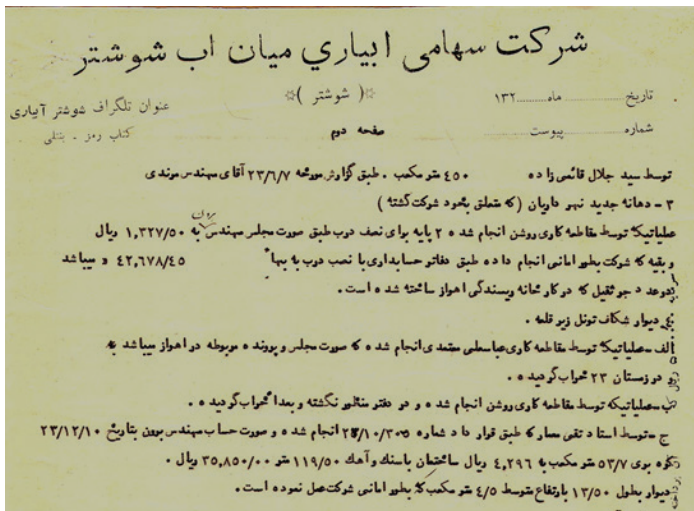
مرمت‌های این قلعه در دورهٔ قاجار کار استاد محمدتقی است که در آن بخش‌هایی از قلعه شامل سربازخانه، توپخانه و برخی اتاق‌ها و حجره‌های قلعه تعمیر شده و شرح برآورد مصالح آن موجود به‌خط سیاق موجود است و این سند نزد خانوادهٔ ایشان نگهداری می‌شود (ت ۱۱).

سازه‌های آبی

پل تاریخی حاج‌خدایی با نظارت و دستور کار استاد حاج محمدتقی و کار مرحوم استاد حاج‌رحمی شاه‌علی

ت ۱۱. صورت مصالح به‌کاررفته در قلعهٔ سلاسل. مأخذ: امیرحسین معمارباشی.

ساسانی است که در دوران مختلف، از جمله دورهٔ قاجار، چندین بار مورد مرمت قرار گرفته است. یکی از



ت ۱۴. سندی مربوط
به فعالیت شرکت آبیاری
میان آب شوشتر. مأخذ:
عباس نژادفتحی.

است که در دوره قاجاریه در محله دلدل ساخته شده
است. این خانه از چهار طبقه شوادون، شبستان، همکف
و طبقه اول ساخته شده و در آن رسمی‌بندی‌ها و انواع
تزیینات آجری و سنگی به کار رفته است. بخش‌هایی از
این خانه به دست حاج محمدتقی معمار کار شده است.

خانه کجیاف

خانه کجیاف در محله سادات و در مجاورت خانه
رحیمی قرار دارد. سردر ورودی این خانه آجرکاری شده
و مزین به نام مبارک امام علی^ع است.

خانه حاج‌رضا صمندی

این خانه در محله بی‌بی‌دوخواهران قرار دارد و در
تزیینات آن از طرح‌های مختلف خون‌چینی استفاده
شده است (ت ۱۵).

نتیجه‌گیری

استاد حاج محمدتقی معمارباشی، بعد از سال‌ها
کوشش و فعالیت، در ۱۳ خرداد ماه ۱۳۴۲ (یک سال
بعد از فوت فرزندش استاد اسماعیل) در هفتادسالگی
روی در نقاب خاک کشید و در آرامستان مقام حسین
شوشتر در کنار فرزندانش به خاک سپرده شد (ت ۱۶).

علاوه بر آثار معماری، طراحی‌های ایشان برای
خون‌چینی و کاشی‌کاری و نیز ابزار کار آجرتراشی،
کاردهای مخصوص گچ‌بری، مشت‌های چوبی با نقوش

ساخته شده است. این پل روی نهر تاریخی داریون
قرار دارد که جهت دسترسی مردم شهر به زمین‌های
کشاورزی و باغ‌های مجاور نهر با هزینه مرحوم حاج
حسین حاج‌خدایی در سال ۱۳۰۳ ش ساخته شده است
(ت ۱۲).

همچنین بخش آجری تاق تونل آبرسان سه کوره در
محوطه آسیاب‌ها و آبشارها را نیز ایشان اجرا کرده است.
به‌علاوه، ساخت بسیاری از آسیاب‌ها و تعمیر و مرمت
آنها توسط این استاد انجام گردیده است (ت ۱۳).

در سال ۱۳۲۳، بندی در مجاورت نهر داریون
جهت کنترل ورود سیلاب به داخل نهر ساخته شد که
با توجه به اسناد موجود توسط این معمار انجام گردیده
است (ت ۱۴).

خانه‌ها

بسیاری از خانه‌های تاریخی شهر شوشتر یادگار این
استاد فقیدند. در اینجا، به‌اختصار به معرفی چند مورد
از کارهای ایشان می‌پردازیم.

خانه مستوفی

این خانه در محله کندال قرار دارد و مالک آن مرحوم
حاج میرزا آقا مستوفی بوده است. در آن تزیینات فراوانی
از نقوش خون به کار رفته است.

خانه دورقی

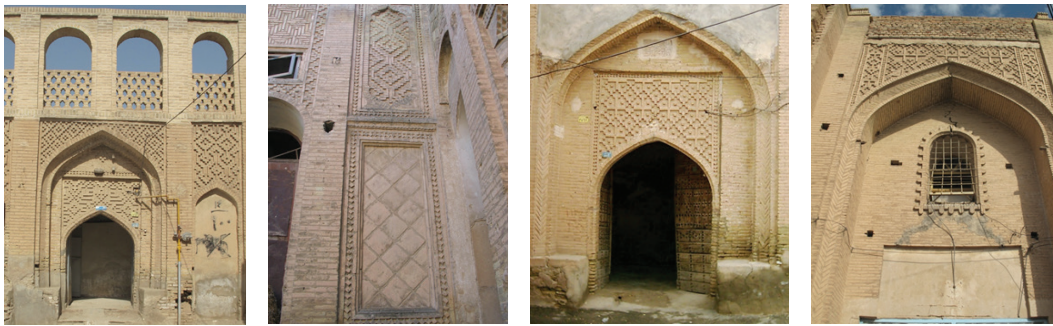
خانه دورقی در محله «بی‌بی‌دوخواهران» قرار دارد.
در ساخت این خانه، تزیینات مختلف آجری، سنگی و
چوبی به کار رفته است.

خانه حاج عبدالرسول رحیمی

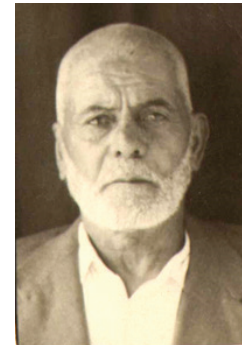
خانه رحیمی در محله سادات قرار دارد و تاریخ ساخت
آن با توجه به کتیبه سنگی موجود در پیشانی ورودی
مربوط به سال ۱۳۳۵ ق است. در این خانه، در تمامی
قسمت‌ها از تزیینات خون‌چینی استفاده شده است.

خانه سیدشکرالله خان کلانتر

خانه تاریخی کلانتر مربوط به سیدشکرالله خان کلانتر

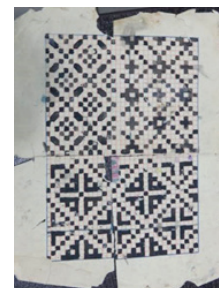


ت ۱۵. نماهایی از خانه‌های صمندی، رحیمی، دورقی و کجیاف. مأخذ: نگارنده.



ت ۱۷. طراحی‌ها و ابزار کار به‌جامانده از استاد حاج محمدتقی معمار. مأخذ: امیرحسین و ادیب معماریاشی.

ت ۱۶. تصویری از استاد حاج محمدتقی در اواخر عمر و سنگ مزار ایشان در بقعه مقام حسین. مأخذ: امیرحسین معماریاشی.



کتابنامه

اقتداری، احمد. آثار و بناهای تاریخی خوزستان. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر اشاره، ۱۳۷۵.

چهارمحالی، علی محمد. «طرح مرمت و احیای منزل مرعشی»، پایان نامه کارشناسی مرمت و احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۴.

گریشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.

نیرومند، محمدباقر. واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری. تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۵.

پرنندگان و گیاهان، انواع ماله و پرگارهای مخصوص آجرتراشی در کنار چندین طومار سوزنی جهت ساخت پنجره‌های گچی و تعدادی مهر باقی مانده است که نزد خانواده ایشان نگهداری می‌شود (ت ۱۷).

در پایان، از همراهی و یاری آقایان مهندس امیرحسین معمارباشی و فرزند گرامی ایشان مهندس علیرضا معمارباشی و همچنین همکاری‌های استاد ارجمند ادیب معمارباشی و دیگر همراهان در این کار صمیمانه قدردانی و سپاسگذاری می‌کنم. خداوند آن مرحوم را غریق رحمت خویش فرماید و به بازماندگان آن استاد سلامت عنایت کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. کارشناس حفاظت و مرمت؛ رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان شوشتر.
alim4mahali@yahoo.com

۲. محمدباقر نیرومند دیکار را چنین تعریف کرده است: «محل اجتماع عمله و کارگران بتایی برای گرفتن کار از معمار محل» (نیرومند، واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری، ۲۱۱).

۳. ایشان از معروف‌ترین استادان آجرتراش بود که، علاوه بر آجرتراشی، سنگ‌تراشی و حجاری را با استادی تمام انجام می‌داد. از کارهای وی تزئینات آجر بقعه سیدمحمدشاه و بسیاری از آجرکاری‌های خانه‌های شوشتر است.

۴. وی داماد استاد مشهدی بخشی شاه‌علی بود.

۵. از مقام‌های موسیقی شوشتر در دستگاه ماهور.

۶. از مقام‌های موسیقی شوشتر در دستگاه ماهور.

۷. باید گفت حضور موسیقی در دیگر پیشه‌ها نیز دارای سابقه است و از جمله در موسیقی شوشتر نام برخی گوشه‌ها شاهدهی است بر این موضوع، مانند دشتی گلوکشون (گلاب‌کشان) یا بیداد برزگری.